

خلاصه بحث

به نظر ما نافله صبح را نمی توان بین نماز شب بجا آورد، بلکه باید آنرا پس از اتمام نماز شب و بعد از وتر بجا بیاورند. تعداد رکعات نماز شب یازده رکعت است، که هشت رکعت نافله شب، دو رکعت شفع، و یک رکعت هم وتر است. وقت نماز شب از نیمه شب آغاز شده و هرچه به سحر نزدیکتر باشد فضیلت بیشتری دارد.

وقت نافله صبح

در برخی از روایات چنین آمده بود که نافله صبح را می توان بین نماز شب خواند، به این شکل که مثلاً انسان چهار رکعت نماز شب بخواند و بعد دو رکعت نافله صبح را بخواند و پس از آن بقیه نماز شب را ادامه بدهد. این معنایی بود که قبلاً بیان کردیم و امام راحل نیز به همین فتوا داده بودند.

اما بعد از تأمل و به قرینه سایر روایات که ترتیب ذکر دارند و گفته اند که نماز شب بخوان و شفع بخوان و وتر بخوان و پس از آن هم نافله صبح بخوان، به قرینه این روایات، نظرمان این شده است که معنای این تعبیری که در روایات آمده است و گفته اند که نافله صبح را بین نماز شب بخوان، چیزی جز همان عقیقه نماز شب خواندن نیست. یعنی مراد حضرت این است که بلافاصله پس از اتمام نماز شب، و در ضمن نماز شب، نافله صبح را هم به آن ملحق کن و بخوان.

بنابراین نظر نهایی ما این است که از نیمه شب که وقت نماز شب آغاز می شود، پس از آنکه نماز شب را اقامه کرد و تمام شد می تواند نافله صبح را هم بخواند، و زمان خواندن نافله صبح تا زمان فجر اول، و بلکه پس از فجر اول هم ادامه دارد و می تواند بخواند. اما بین نماز شب به آن معنایی که قبلاً بیان کردیم، به نظر ما صحیح نیست و چنین معنایی خلاف ظاهر است.

به هر حال بر اساس آنچه که از نصوص بیان کردیم، نافله صبح را پس از طلوع فجر نیز می توان خواند، منتهی در اینجا یک روایتی داریم که در ظاهر با این سخن مخالف است و تعارض دارد و آن، موثقه ابی بصیر است.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۸/۱۲

در موثقه ابی بصیر چنین آمده که امام باقر علیه السلام وقت نافله صبح را قبل از فجر می دانستند، ولی امام صادق علیه السلام وقت آنرا بعد از فجر بیان می کردند.

وقتی راوی صحت و سقم این مطلب را از امام صادق علیه السلام جویا می شود، حضرت می فرمایند که آنچه پدرم فرموده بود بر اساس مَرِّ حق بود، چون کسانی که از پدرم سوال کردند شیعه واقعی بودند و حضرت هم حکم واقعی را به آنان فرمودند، ولی آنان که نزد من آمدند و سوال را پرسیدند اعتقاد کامل نداشتند و شکاک بودند و به همین دلیل پاسخ تقیه ای به آنان دادم.

معنای تقیه بودن این است که حضرت حکم واقعی را بیان نفرموده اند. بنابراین باید بگوییم که نافله صبح بعد از طلوع فجر، مخالف با حکم واقعی است و مشروع نیست.

ولی به نظر ما این مطلب صحیح نیست و راه حل این تعارض بدوی به این نحو است که عامه قائل هستند که وقت اختصاصی نافله صبح، پس از طلوع فجر است و قبل از طلوع فجر اصلاً مشروع نیست، و حضرت نیز در موثقه ابی بصیر همین معنا را از روی تقیه بیان کرده اند، و فرموده اند که نافله صبح حتماً باید بعد از فجر خوانده شود و قبل از فجر اصلاً مشروع نیست.

اما آنچه در سایر نصوص باب آمده بود و ما هم قبول کردیم این بود که نافله صبح از نیمه شب و پس از نماز شب آغاز می شود و همینطور ادامه دارد و شامل پس از طلوع فجر هم می شود.

بین این دو معنایی که بیان کردیم تعارض وجود ندارد و نتیجه این می شود که خواندن نافله صبح پس از طلوع فجر نیز صحیح و مشروع است و ایرادی ندارد، منتهی اختصاص دادن وقت نافله صبح به بعد از فجر، مخالف با حکم واقعی است و از روی تقیه صادر شده است.

بنابراین موثقه ابی بصیر تعارضی با آنچه بیان کردیم ندارد، چون با اینکه اقامه نافله صبح پس از طلوع فجر را تقیه ای می داند، ولی معنایش این است که اختصاص وقت نافله صبح به بعد از فجر تقیه ای است، ولی ادامه داشتن وقت نافله صبح تا بعد از طلوع فجر، تقیه ای نیست و ایرادی ندارد.

تعداد رکعات نماز شب

امام راحل فرموده اند:

«و إحدى عشرة ركعة نافلة الليل، صلاة الليل ثمان ركعات ثم ركعتا الشفع ثم ركعة الوتر».^۱

در کلمات اصحاب در مورد تعداد رکعات نماز شب سخن به میان آمده و نصوص نیز متعرض این امر شده اند که یکی از این نصوص، موثق «حنان بن سدير» است.

برخی از افراد، نام این راوی را «حنان بن سدير» می گویند، ولی آنطور که در ايضاح الاشتباه و ساير كتب آمده است «حنان بن سدير» صحيح است.

موثق حنان بن سدير

و عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيعٍ عَنْ حَنَانٍ قَالَ: «سَأَلَ عَمْرُو بْنُ حُرَيْثٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَنَا جَالِسٌ فَقَالَ لَهُ - جُعِلْتُ فِدَاكَ أَخْبَرَنِي عَنْ صَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - فَقَالَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يُصَلِّي ثَمَانَ رَكَعَاتِ الزَّوَالِ - وَ أَرْبَعًا الْأُولَى وَ ثَمَانِي بَعْدَهَا وَ أَرْبَعًا الْعَصْرِ - وَ ثَلَاثًا الْمَغْرِبِ وَ أَرْبَعًا بَعْدَ الْمَغْرِبِ - وَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ أَرْبَعًا وَ ثَمَانِي صَلَاةَ اللَّيْلِ - وَ ثَلَاثًا الْوُتْرَ وَ رَكَعَتِي الْفَجْرِ - وَ صَلَاةَ الْعِدَاةِ رَكَعَتَيْنِ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ - وَ إِنْ كُنْتُ أَقْوَى عَلَى أَكْثَرٍ مِنْ هَذَا - يُعَذِّبُنِي اللَّهُ عَلَى كَثْرَةِ الصَّلَاةِ - فَقَالَ لَا وَ لَكِنْ يُعَذِّبُ عَلَى تَرْكِ السُّنَّةِ».^۲

تعبیری که در این روایت ذکر شد این بود که پس از هشت رکعت نماز شب، سه رکعت وتر خوانده می شود که مراد از آن، همان شفع و وتر است.

^۱ تحریر الوسيلة (دو جلدی)، الخميني، السيد روح الله، ج ۱، ص ۱۳۱.

^۲ وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۳۳، أبواب أعداد الفرائض و نوافلها، باب ۱۳، ح ۶، ط الإسلامية.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۸/۱۲

در برخی از روایات، وتر در مقابل شفع ذکر شده است، که در این صورت مراد از شفع، نماز دو رکعتی، و مراد از وتر، نماز یک رکعتی است. ولی در برخی دیگر از روایات مثل همین موثقه حنان، وتر را سه رکعت بیان کرده اند، که مراد از چنین وتری، مجموع شفع و وتر است که سه رکعت می شود.

در روایت بزنطی نیز همین مطلب با تصریح بیشتری آمده و فرموده است:

«وَتَمَانَ صَلَاةِ اللَّيْلِ وَالْوُتْرُ ثَلَاثًا»^۳

در معتبره سلیمان نیز چنین آمده است:

«وَتَمَانُ رَكَعَاتٍ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ تَقْرَأُ فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ بِقُلِّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَقُلِّ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ فِي الرَّكَعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ وَتَقْرَأُ فِي سَائِرِهَا مَا أَحْبَبْتَ مِنَ الْقُرْآنِ - ثُمَّ الْوُتْرُ ثَلَاثُ رَكَعَاتٍ يُقْرَأُ فِيهَا جَمِيعاً قُلِّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَتَفْصِلُ بَيْنَهُنَّ بِتَسْلِيمٍ»^۴

در معتبره فضل بن شاذان از امام رضا علیه السلام نیز چنین ذکر شده است:

«وَتَمَانُ رَكَعَاتٍ فِي السَّحَرِ وَالشَّفْعِ وَالْوُتْرُ ثَلَاثُ رَكَعَاتٍ تُسَلِّمُ بَعْدَ الرَّكَعَتَيْنِ وَرَكَعَتَا الْفَجْرِ»^۵

در این روایت معنای شفع و وتر کاملاً روشن شده و جای شبهه ای باقی نمانده است. بنابراین مراد از سه رکعت وتر که در سایر روایات آمده است نیز همین شفع و وتر است.

در خبر رجاء بن ابی ضحاک نیز کیفیت نماز شب امام رضا علیه السلام بیان شده است که به این شرح است:

«فَإِذَا كَانَ الثُّلُثُ الْأَخِيرُ مِنَ اللَّيْلِ قَامَ مِنْ فَرَاشِهِ بِالتَّسْبِيحِ وَالتَّحْمِيدِ وَالتَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ وَالِاسْتِغْفَارِ وَاسْتَاكَ ثُمَّ تَوَضَّأَ ثُمَّ قَامَ إِلَى صَلَاةِ اللَّيْلِ فَيُصَلِّي تَمَانِي رَكَعَاتٍ وَيُسَلِّمُ فِي كُلِّ رَكَعَتَيْنِ ... ثُمَّ يَقُومُ فَيُصَلِّي رَكَعَتِي الشَّفْعِ ... فَإِذَا سَلَّمَ قَامَ وَصَلَّى رَكَعَةَ الْوُتْرِ»^۶

^۳ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۳۳، أبواب أعداد الفرائض و نوافلها، باب ۱۳، ح ۷، ط الإسلامية.

^۴ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۳۶، أبواب أعداد الفرائض و نوافلها، باب ۱۳، ح ۱۶، ط الإسلامية.

^۵ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۳۹، أبواب أعداد الفرائض و نوافلها، باب ۱۳، ح ۲۳، ط الإسلامية.

^۶ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۴۰، أبواب أعداد الفرائض و نوافلها، باب ۱۳، ح ۲۴، ط الإسلامية.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۸/۱۲

در روایت اعمش نیز همین مطلب ذکر شده و حضرت فرموده اند:

«وَتَمَانُ رَكَعَاتٍ فِي السَّحَرِ وَ هِيَ صَلَاةُ اللَّيْلِ وَ الشَّفْعُ رَكَعَتَانِ وَ الْوُتْرُ رَكَعَةٌ»^۷

بنابراین از مجموع این نصوص معنای شفع و وتر را به خوبی می توان استفاده کرد و جای شک و شبهه باقی نمی ماند.

آنچه در تمام نصوص ذکر شده بود این بود که نماز شب در مجموع یازده رکعت است که هشت رکعت به عنوان نافله شب، دو رکعت به عنوان شفع، و یک رکعت هم به عنوان وتر خوانده می شود. منتهی صحیحه حارث بن مغیره و صحیحه زراره و همچنین موثقه زراره تعداد رکعات نماز شب را سیزده رکعت بیان کرده اند.

تعبیر صحیحه حارث این است:

«وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يُصَلِّي ثَلَاثَ عَشْرَةَ رَكَعَةً مِنَ اللَّيْلِ»^۸

در صحیحه زراره نیز چنین آمده است:

«سَأَلْتُهُ عَنْ رَكَعَتَيِ الْفَجْرِ قَبْلَ الْفَجْرِ أَوْ بَعْدَ الْفَجْرِ - فَقَالَ قَبْلَ الْفَجْرِ إِنَّهُمَا مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ - ثَلَاثَ عَشْرَةَ رَكَعَةً صَلَاةُ اللَّيْلِ»^۹

و در موثقه او نیز چنین ذکر شده است:

«إِنَّمَا عَلَى أَحَدِكُمْ إِذَا انْتَصَفَ اللَّيْلُ أَنْ يَقُومَ فَيُصَلِّي صَلَاتَهُ جُمْلَةً وَاحِدَةً ثَلَاثَ عَشْرَةَ رَكَعَةً ثُمَّ إِنْ شَاءَ جَلَسَ فَدَعَا وَ إِنْ شَاءَ نَامَ وَ إِنْ شَاءَ ذَهَبَ حَيْثُ شَاءَ»^{۱۰}

این سه روایتی که نماز شب را سیزده رکعت ذکر کرده اند در ظاهر با روایات قبل تنافی دارند، منتهی باید این دو رکعت اضافی را به نافله صبح حمل کنیم، که در این صورت مثل سایر روایات می شوند.

^۷ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۴۱، أبواب أعداد الفرائض و نوافلها، باب ۱۳، ح ۲۵، ط الإسلامية.

^۸ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۳۴، أبواب أعداد الفرائض و نوافلها، باب ۱۳، ح ۹، ط الإسلامية.

^۹ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۱۹۲، أبواب المواقيت، باب ۵۰، ح ۳، ط الإسلامية.

^{۱۰} وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۴، ص ۱۰۶۳، أبواب التعقيب، باب ۳۵، ح ۲، ط الإسلامية.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۸/۱۲

بنابراین جای شبهه باقی نمی ماند که ترتیب ذکر این نمازها و تعداد رکعات آنها به این شکل است که ابتدا هشت رکعت نافله شب، و سپس دو رکعت شفع، و پس از آن یک رکعت وتر، و پس از آن دو رکعت نافله صبح خوانده می شود.

وقت نماز شب

امام راحل فرموده اند:

«و وقت صلاة الليل نصفها إلى الفجر الصادق، و السحر أفضل من غيره، و الثلث الأخير من الليل كله سحر، و أفضله القريب من الفجر، و أفضل منه التفريق كما كان يصنعه النبي صلى الله عليه و آله، فعدد النوافل بعد عدّ الوتيرة ركعة أربع و ثلاثون ركعة ضعف عدد الفرائض»^{۱۱}

برخی از روایات را در جلسات گذشته خواندیم که دلالت بر این داشتند که وقت نماز شب از نیمه شب آغاز می شود و هرچه به سحر نزدیکتر باشد فضیلتش بیشتر است و فضیلت نماز صبح را نیز همینطور بیان کرده بودند که اگر نزدیک سحر باشد بهتر است.

در مورد وقت نماز شب، اجماع نیز داریم.

صاحب ریاض فرموده است:

«و وقت صلاة الليل بعد انتصافه عندنا، بل عليه إجماعنا عن الخلاف و المعتبر، و في كلام المرتضى و السرائر و المنتهى و غيرها، و هو الحجة»^{۱۲}.

صاحب جواهر نیز چنین فرموده است:

«و وقت صلاة الليل بعد انتصافه بلا خلاف محقق أجده»^{۱۳}

^{۱۱} تحریر الوسيلة (دو جلدی)، الخميني، السيد روح الله، ج ۱، ص ۱۳۱.

^{۱۲} ریاض المسائل في تحقیق الأحكام بالدلائل، الطباطبائي، السيد علي، ج ۲، ص ۱۹۲.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۸/۱۲

در نصوص نیز همین مطلب آمده که برخی از این نصوص را قبلاً خواندیم و در اینجا نیز به برخی دیگر از روایات اشاره می‌کنیم.

در معتبره زراره چنین آمده است:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ... لَا يُصَلِّي بَعْدَ الْعِشَاءِ حَتَّى يَنْتَصِفَ اللَّيْلُ ثُمَّ يُصَلِّي ثَلَاثَ عَشْرَةَ رَكْعَةً مِنْهَا الْوُتْرُ وَ مِنْهَا رَكْعَتَا الْفَجْرِ قَبْلَ الْعَدَاةِ فَإِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ وَ أَضَاءَ صَلَّى الْعَدَاةَ»^{۱۴}

از این روایت اینگونه فهمیده می‌شود که آخرین نمازی که حضرت قبل از اذان صبح می‌خواندند نماز وتر و نافله صبح بود، و پس از آنکه طلوع فجر اتفاق می‌افتاد نماز صبح را می‌خواندند.

توصیه به خواندن نماز شب

خدایا، به حق محمد و آل محمد علیهم السلام به ما توفیق عطا کن که بتوانیم رسالت خود را به درستی انجام دهیم. ما که لباس رسول خدا صلی الله علیه و آله را به تن کرده‌ایم و مدعی هستیم که وظایف پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام را بر عهده گرفته‌ایم، تنها گروهی هستیم که به حق این بار سنگین را بر دوش می‌کشیم. به ما توفیق عمل به این نماز شب را بده، وگرنه در انجام رسالت خود ناتوان و سرگردان خواهیم شد و در این دنیای پرشبهه، که مملو از اختلافات و تعارضات سیاسی، فکری، و سلیقه‌ای است، گمراه خواهیم شد.

در این زمان، نماز شب به عنوان نوری الهی برای مؤمنین جلوه‌گر می‌شود؛ همان‌گونه که خدای تعالی این نماز را به رسول خدا صلی الله علیه و آله هدیه کرده است.

خداوند متعال به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود که باید نماز شب بخوانی، زیرا فردا به تو «قول ثقیل» که همان رسالت و وحی است لقاء خواهد شد، و اگر نماز شب نخوانی، قابلیت و استعداد درک کامل این وحی عظیم را نخواهی داشت!

^{۱۳} جواهر الکلام، النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن، ج ۷، ص ۱۹۲.

^{۱۴} وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملی، ج ۳، ص ۱۱۵، أبواب المواقیت، باب ۱۰، ح ۳، ط الإسلامیة.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۸/۱۲

علمای ما وارثان انبیا و امانت‌داران پیامبران هستند، این جای تردید ندارد که بعد از غیبت امام عصر علیه السلام، تنها قشری که مسئولیت رسالت پیامبر اکرم را بر دوش دارد، علمای اسلام بوده‌اند. آنها حاملان شریعت و رسانندگان فقه اکمل شیعه به بشریت هستند، و امروز ما افتخار می‌کنیم که کامل‌ترین دین الهی به برکت روایات اهل بیت علیهم السلام در دست ماست.

این علما اهل نماز شب بوده‌اند و در وصف علمای بزرگوار و فقهای عالی‌مقام ما آمده است که چگونه شب را با زنده‌داری و تهجد سپری می‌کردند.

این مطالبی که در کتاب الصلاة در مورد نماز شب خوانده می‌شود صرفاً بحث علمی و فقهی نیست، بلکه باید به آنها عمل بشود و در درجه اول هم وظیفه خود ماست که به اینها عمل کنیم، تا با نوری که با نماز شب برای ما ایجاد می‌شود بتوانیم در انجام وظایف خودمان موفق باشیم.

خدای تعالی «قول ثقیل» را بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله القاء کرد، و ما نیز وظیفه تبیین و تبلیغ رسالات نبی و ائمه معصومین علیهم السلام را بر عهده داریم، بنابراین ما نیز نیاز داریم که نماز شب بخوانیم تا بتوانیم در انجام وظایف خودمان موفق بشویم، وگرنه اگر اهل نماز شب نباشیم نمی‌توانیم رسالت خویش را به انجام برسانیم و خود دچار تردید و سرگردانی می‌شویم، گاهی به سمت راست، گاهی به سمت چپ، و گاهی به این سلیقه یا آن خط فکری می‌رویم. اما اگر نور الهی برای انسان باشد، در اختلافات سیاسی و اعتقادی لحظه‌ای دچار تردید نمی‌شود.